

Two Principal Strategies in Improving the Efficiency of Jurisprudence Texts and Sources: With the Focus on the Causes of Judgments and Their Application

Abdol Hossein Rezaei Rad*

Abstract

According to its most famous definitions, jurisprudence is based on the science of expressing and deducing judgments on their reasons, and the sources of jurisprudence and the textbooks of this field of humanities have not left any effort in expressing religious judgments and their reasons, but have proven experience. Due to the fact that the rulings are applicable in a variety of social and historical conditions, it is feasible and viable. Reasons alone are not enough, and the reason for the sentences and method of its implementation is significant, but unfortunately in the jurisprudential works, especially the Shiite jurisprudential works which include being afraid of divorce from divine commandments and falling into the trap of analogy and tastes, little has been done on these two categories. This research tries to increase the efficiency of the sources of jurisprudence and the strategies of the studies in this field and the need to address these two categories and the consequences of neglecting them in the sources and texts of jurisprudence. The present paper makes an attempt, through examples and actual examples as two important strategies, to increase the efficiency and outcome of jurisprudential texts and, at the same time, to highlight the damage of extremes in the methodology and causality of sentences.

Keywords: Jurisprudence, Strategy, Case(s), Purpose (Goals), Method of Execution, Function

* Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, ahrr39@scu.ac.ir

Date received: 2020-08-12, Date of acceptance: 2021-01-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

دو راهبرد اساسی در ارتقای کارآمدی متون و منابع فقهی (پرداختن به علت احکام و روش اجرای آن‌ها)

عبدالحسین رضایی‌راد*

چکیده

فقه، براساس مشهورترین تعاریف خود، علم بیان و استنباط احکام از روی دلایل آن هاست و منابع فقهی و متون درسی این رشته از علوم انسانی در بیان احکام شرعی و دلایل آن‌ها به حق از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند اما تجربه ثابت کرده است که برای آن که احکام در شرایط متنوع اجتماعی و تاریخی قابل اجرا، قابل دوام و انعطاف پذیر باشند دلایل به تنهایی کافی نیست و بیان علت و هدف احکام و روش اجرای آن‌ها نیز حائز اهمیت فراوان است اما متأسفانه در آثار فقهی، بخصوص آثار فقهی شیعه از بیم فاصله گرفتن از تعبد به احکام الهی و فرو افتادن در دام قیاس و استنباطات سلیقه‌ای، توجه چندانی به این دو مقوله نشده است این تحقیق می‌کوشد تا به منظور افزایش کارآمدی منابع فقهی و راهبردی شدن مطالعات این رشته، ضرورت پرداختن به این دو مقوله و پی‌آمد های غفلت از آنها در منابع و متون درسی فقه را با ذکر مثالها و نمونه های واقعی به عنوان دو راهبرد مهم در جهت افزایش کارآمدی و نتیجه بخشی متون فقهی به نمایش بگذارد و در ضمن، آسیب های افراط در در علت یابی و روش شناسی احکام را نیز متذکر شود.

کلیدواژه‌ها: علم فقه، راهبرد، (مصادیق)، (اهداف)، روش اجرا، کارکرد

* دانشیارگروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید چمران اهواز، ahrr39@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۱. مقدمه

بعضی آثار فقهی که به بحث تخصصی تر از بخش هایی از مباحث اختصاص دارد که به آن ها رسائل فقهیه گفته می شود مانند مکاسب محرمه شیخ انصاری (رضائی راد، مبادی علم فقه، ص ۲۲۲) اما اکثر منابع و متون فقهی موجود از نوع جوامع فقهیه هستند و مجموعه کاملی از مباحث فقهی را در خود جای می دهند در این گونه آثار، با تفاوت های مختصری، مباحث فقهی در سه بخش عبادات، معاملات و احکام دسته بندی می شوند و در هر بخش، انواع و احکام عبادات یا معاملات یا احکام به بحث گذاشته می شود (رضائی راد، مبادی علم فقه، ص ۲۲۵) و مجموع مباحث در این گونه آثار که به آن ها مجامع یا جوامع فقهیه (رضائی راد، مبادی علم فقه، ص ۲۲۵) گفته می شود مانند شرح لمعه شهید ثانی و شرائع الاسلام محقق حلی و جواهر الکلام نجفی حدوداً به حدود ۵۲ مبحث می رسد (مدرسی، ۱۳۳۸، صص ۲۰-۲۸) که از طهارات شروع می شود و به دیات خاتمه می یابد در هر دو نوع از این آثار (رسائل و مجامع) تمام هم و غم فقهای بزرگوار، بیان ادله احکام و صحت استناد این احکام به خداوند متعال است اما به هیچ عنوان سخنی از این که هدف و مقصود از این احکام چه بوده است و این احکام چگونه قابل اجرا خواهد بود و در صورت اجرا چه پیامد های مثبت و منفی به جا خواهد گذاشت سخنی به میان نمی آید اما تجربه های تلخ تاریخی مانند خوارج و دواعش و مذاهب انحرافی در میان شیعه و سنی ثابت کرده است که خطر انحراف دین و احکام شریعت در مرحله اجرا اگر از خطر انحراف در مرحله نظریه و استنباط بیش تر نباشد کم تر هم نیست و چه بسیار جنایت هایی که توسط متدینین متعصب به سبب روش ها و برداشت های نادرست از جهاد و امر به معروف و مانند آن ها صورت گرفته و موجب نفرت جوامع از دین و دل شکستگی دین باوران آگاه و درد مند گردیده است. (ر.ک. رضائی راد، ۱۳۸۸، سراسر کتاب)

فقیهان بزرگی که در سخت ترین شرایط زندگی و محدودترین فضا های سیاسی و اجتماعی فعالیت کرده اند و فشارها و شکنجه های فراوانی از سوی حکومت ها برای آن ها رقم خورده است و در چنین شرایط دشواری در استحکام مبانی شریعت و پیش گیری از نابودی و انحراف و تحریف آن ها تلاش کرده اند و فرصت چندانی نیافته اند تا به اجرای احکام در جامعه و شیوه های اجرای آن ها بیان دیشند و به همین سبب در متون فقهی، بخصوص منابع درسی حوزه های علمیه و دانشگاه ها در این رشته، نگاه کارکرد

گرایانه و بررسی درباره‌ی اجرای احکام، در قیاس با مباحث مبنایی و نظری جلوه‌ی کم‌تری را از خود نشان می‌دهد.

امروزه در اکثر مباحث علمی، به جنبه‌های نظری و آکادمیک مسائل علمی اکتفا نمی‌کنند و می‌کوشند تا نظریه‌های خود را در میدان اجرا و عمل نیز بیازمایند و تجربه‌های اجرائی و نتایج عملی هر نظریه را نیز در کنار ادله اثباتی و مبنایی مورد مطالعه قرار دهند.

این تحقیق برای راهبردی شدن مطالعات فقهی و کار آمد شدن آثار فقهی، راهبرد‌هایی را به بحث می‌گذارد و پیشنهاد می‌کند که با افزودن این مباحث به سرفصل‌های دروس فقهی از انحراف عملی احکام یا تعطیل آن‌ها در مرحله عمل پیش‌گیری شود. همچنان‌که تا کنون از انحراف نظری شریعت پیش‌گیری شده است.

۲. چیستی راهبرد و مطالعه راهبردی:

مطالعه قابلیت اجرائی و چگونگی اجرای درست و رفع موانع از اجرای یک طرح یا یک نظریه و هدایت فعالیت‌های اجرائی آن، در مسیر هدف تا حصول نتیجه مورد انتظار و اندازه‌گیری میزان موفقیت آن نظریه در عمل چیزی است که در علم مدیریت آن را «مطالعه راهبردی» می‌نامند. (Dess and...2008:p8)

راهبرد، به عنوان معادل فارسی واژه‌ی استراتژی به کار می‌رود (گروه واژه‌گزینی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، گروه زبان و ادبیات فارسی؛ دفتر اول، ونیز Hans Ram, 2002, p 569-574) و کاربرد نظامی دارد (فرد. آر. دیوید، ۱۳۹۵، ص ۴) اما به تدریج، در بسیاری از علوم انسانی بخصوص علوم عملی نیز وارد شده است. در حدی که می‌توان گفت مطالعه راهبردی به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از مطالعات عملی به شمار می‌آید و هیچ نظریه‌ای بدون مطالعه راهبردی و قبل از موفقیت در میدان عمل و تجربه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و همچنان‌که نظریات علوم تجربی درستی خود را در آزمایشگاه به منصفه ظهور می‌نشانند، در علوم انسانی نیز اجتماع و تاریخ، آزمایشگاه صحت و سقم نظریات است.

در مطالعه راهبردی، سخن از درستی یا نادرستی و مستند بودن یا نبودن نیست؛ زیرا این گونه مباحث مفروغ عنه و مسلم فیه است، بلکه قابلیت اجرا و چگونگی تطبیق نظریه با عمل و شناسایی موانع اجرا و میزان تحقق اهداف آن موضوع یا نظریه در عمل، مورد بحث است. (Hunger and ...2000:p27 و Dess and...2008:p8)

مطالعات فقهی و حقوقی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و فقیه نمی‌تواند نسبت به نتایج عملی نظریات خود و امکان اجرا یا چگونگی آن‌ها بی‌تفاوت باشد و عمل، بخشی از نظریه است. (سروش، ۱۳۷۳ش، ص ۲۷-۸) و نظریه‌ای که در عمل، نتایج مورد نظر را به بار نیاورد و یا نتایج معکوس از خود به جای بگذارد قابل تجدید نظر و نقد و بررسی خواهد بود، هرچند در مرحله‌ی نظری و مطالعه آکادمیک از دلایل استوار و غیرقابل تردیدی برخوردار باشد.

۳. پیشینه مطالعه راهبردی در فقه

مطالعه راهبردی به شکلی که در این تحقیق مورد نظر است، در آثار فقهی سابقه‌ای ندارد. اما در لابه‌لای آثار فقهی به طور پراکنده، به خصوص در آثار فقهای انقلابی معاصر، چون شهید مطهری و امام خمینی می‌توان موارد بسیاری را به طور موردی یافت که با نگاهی اجرائی و کارگرایانه به احکام نظر افکنده‌اند و کوشیده‌اند قرائتی قابل اجرا و ثمربخش از احکام شرعی را رقم زنند و به موانع اجرا و روش‌های درست و نادرست اجرای احکام نیز توجه کنند.

تعدادی از فقهای معتقد به انقلاب اسلامی در صورت صلاحدید حکومت و ناکافی بودن مبالغ زکات، اموال زکوی را از نه مورد معروف به سایر موارد قابل سرایت می‌دانند (منتظری ۱۴۰۶ق، ج ۱/ص ۱۶۶-۱۶۸؛ صدر ۱۳۹۳ش، ص ۳۳؛ جعفری، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶) با آن که این نظر، خلاف مشهور فقهای امامیه است (حلی، محقق ۱۴۰۳ق، ج ۱/ص ۱۴۲) و می‌فرمایند اختصاص زکات به این موارد نه‌گانه، با فلسفه این حکم که رفع فقر و محرومیت از جامعه است سازگاری ندارد زیرا بسیاری از این موارد نه‌گانه در زمان حاضر موضوعیت ندارد و اختصاص زکات به این موارد به معنی تقلیل زکات به حداقل و در عمل، به منزله تعطیل این فریضه بنیادی است (منتظری ۱۴۰۶ق، ج ۱/ص ۱۶۶-۱۶۸؛ صدر ۱۳۹۳ش، بی‌تا، ص ۳۳؛ جعفری، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶) این گونه اظهار نظرها در حقیقت شالوده یک نگاه نوین به فقه و دین را پایه‌ریزی می‌کند. نگاهی که تفسیر غیرکاربردی و انتزاعی و ذهنی از دین را برنمی‌تابد و کارآمدی و مشکل‌گشایی را نیز چون ملاکی برای صحت برداشت‌های دینی می‌پذیرد.

در این اثر کوشیده شده است دو راهبرد اساسی برای همسو کردن اجرای احکام شرعی، با اهداف آن‌ها و پیش‌گیری از انحراف عملی احکام، به شرح زیر ارائه شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۴. راهبرد ۱. توجه به هدف و علت احکام

مقصود از مطالعه راهبردی، تنظیم و جهت‌دهی احکام در مسیری است که بتواند تأمین‌کننده اهداف مورد نظر از آن‌ها باشد و این مهم مستلزم آن است که قبل از هر چیز این اهداف شناسایی و تبیین شوند تا بتوان با مقایسه آن چه اجرا می‌شود با آن چه مقصود بوده است، میزان نتیجه بخشی و سلامت احکام را در اجرا ارزیابی کرد و اگر هدف احکام مشخص نباشد ممکن است که حکم شرعی به ظاهر اسلامی باشد اما باطن و روح آن با هدف و مقصود و باطن شریعت در تضاد قرار گیرد و مانند نماز ریاکار و ساهی، که به جای بازداشتن از فحشا و منکر، (قرآن کریم سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۴۵) و تقرب به خدا، مستحق وای و نفرین باشد (قرآن کریم سوره ماعون (۱۰۷) آیه ۴) در لابه‌لای آثار فقهی به طور موردی و پراکنده به فلسفه و هدف احکام اشاراتی شده است و با اصطلاحاتی چون «علت» یا «حکمت» از احکام آن‌ها یاد شده است. اما این مفهوم و مبحث مهم فقهی در حد قابل قبولی عملی و راهبردی نشده است.

علت حکم، که به آن «مَنَاط» و «مِلاک» حکم نیز گفته می‌شود، (محمود، بی‌تا، ج ۱/ص ۴۹۴ و نیز منتظری، ۱۳۸۰ ش، ج ۸/ص ۴۴۴ و نیز رک، مکارم شیرازی، ص ۳۸۸) و به اشکال مختلف تعریف شده است (ر.ک محمود، بی‌تا، ج ۲/ص ۵۳۷ و نیز علم الهدی، ۱۳۴۸ ش، ج ۲/ص ۶۸۴ و الحلّی، محقق، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۸۳ و الطباطبائی، ۱۳۷۱ ق، ص ۱۶۰، الکاظمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳/ص ۱۱۶) اما به طور خلاصه، در تعریف آن می‌توان گفت که «علت؛ ویژگی است که در موضوع حکم وجود دارد و فقط همان ویژگی باعث صدور حکم شرعی برای آن موضوع شده است و می‌دانیم که عامل دیگری در صدور این حکم برای این موضوع دخالت نداشته است (رضایی‌راد، ۱۳۹۸ ش، ص ۱۹۵) و لذا با مشخص شدن علت اصلی صدور این حکم می‌توانیم در هر موضوع دیگری همان ویژگی را مشاهده کردیم همان حکم را برایش صادر کنیم و به اصطلاح، حکم را توسیع کنیم و گسترش دهیم.

علاوه بر آن می‌توانیم هر گاه در موضوع حکم آن ویژگی از بین رفت حکم را از آن برداریم و به نبود آن حکم برای آن موضوع رأی دهیم و به اصطلاح، حکم را **تضییق** کنیم. این ویژگی، ممکن است مصلحت یا منفعتی برای فرد یا جامعه باشد که موجب صدور حکم و جوب یا استحباب برای آن موضوع شود یا مفسده و ضرری در موضوع حکم باشد که باعث صدور حکم حرمت یا کراهت باشد.

به عنوان مثال، «فساد آبدان» به عنوان علت حرمت گوشت‌های حرام بیان شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴/ص ۱۰۲، ج ۲۰/ص ۵۰۷؛ الشیخ الصدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲/ص ۴۸۵؛ الحر العاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۸/ص ۵۴؛ همان، ۱۴۰۹، ج ۲/ص ۱۰۲۴) و لذا در هر مورد دیگری که ثابت شود چیزی موجب فساد بدن است، و در ادله فقهیه به طور صریح منع و نهی نشده باشد مانند استعمال مواد مخدر و قمه زنی و و سموم و مانند آن‌ها می‌توان همین حکم را صادر کرد. در حالی که به دلیل عدم ورود فقها به مبحث علت احکام بسیاری از فقها در حرمت استعمال مواد مخدر و قمه زنی فتاوی صریحی را بیان نکرده‌اند و یا حتی به طور ضمنی تایید کرده‌اند. تا جایی که به دلیل همین فتاوی تایید آمیز، مورد گلابیه رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته‌اند. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴ش پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت سید علی خامنه‌ای)

در ارائه بعضی از احکام، علاوه بر حکم یک موضوع، علت حکم هم بیان شده است اما در موارد بسیاری علت حکم به طور واضح بیان نشده است و لذا در تشخیص علت، میان فقها اختلاف نظر صورت می‌گیرد و در این گونه موارد است که باید دقت بیش تری مبذول شود تا در اثر تشخیص نادرست علت حکم، احکام نادرستی صادر نشود و علت هائی که با حدس و گمان خودمان برداشت می‌کنیم علت واقعی حکم تصور نشود.

یکی از مواردی که در تشخیص علت احکام اختلاف نظر شده است درباره علت حرمت موسیقی است (حسینی نجومی، ۱۳۷۲ق، ص ۲۲ به بعد) که بعضی، علت آن را لهو بودن و ایجاد غفلت و دوری از خدا و معنویات دانسته‌اند (النجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲/ص ۴۴-۴۸ و انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱/ص ۱۷۶ و نیز رک حسینیان، ۱۳۷۴ش، و الموحیدی اللنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱/ص ۲۴۲) و لذا در صورتی که موسیقی حالت لهو و گناه آلود خود را از دست داد حکم به لغو حرمت داده و موسیقی غیر لهوی را حلال دانسته‌اند (الموسوی، الخمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲/ص ۹۶۲ و ۹۶۷ و نیز الموسوی الخمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲/ص ۱۳). و نتیجه این امر صدور جواز برای بسیاری از آثار موسیقی متعهد و رفع مانع از این

هنر بزرگ و قدیمی و زدن مهر تایید بر آن شده است ولی گروهی دیگر لهُو را علت ندانسته و حرمت موسیقی را در همه موارد و بدون قید و شرط دانسته اند و گفته اند هر چیز که اطلاق اسم غنا (موسیقی) بر آن صادق باشد حرام است (السبزواری المحقق، ۱۴۲۲ق، حر عاملی، ۱۴۱۷ق، رساله فی الغناء و نیز السبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶/ ۱۰۸) و نتیجه آن حرمت همه انواع موسیقی و تخطئه هنر موسیقی و محرومیت جامعه از منافع و نتایج مثبت موسیقی متعهد جز در موارد خاصی که در روایات استثناء شده است مانند طبل جنگی و مانند آن و روانه شدن سیل انتقادات به فقه شیعه به اتهام مخالفت با هنر و مانند آن‌ها خواهد است.

۱.۴ فواید دانستن علت احکام

همچنان که ملاحظه می شود با دانستن علت احکام، دست فقیه برای استنباط جدید و لغو احکام قدیم باز می شود و در شرایط مختلف و موقعیت های جدید می تواند احکام متناسب را پیدا کند و احکام شرعی را توسعه دهد و بدین سان فقه حالت پویایی و بالندگی و آمادگی خود را در همه زمان ها حفظ می کند.

دانستن علت احکام، علاوه بر توسیع احکام در مواردی به تزییق احکام نیز کمک می کند و به کمک آن می توان هر جا علت حکم رفع شد، معلول را که حکم شرعی است نیز مرتفع دانست (رضایی راد، ۱۳۹۸، ص ۱۹۹)

دانستن علت حکم، برای غیر مجتهدین نیز مفید است زیرا آنان را از مصالح و مفاسدی که در صدور احکام وجود داشته آگاه می سازد و باعث می شود که با رضایت و آرامش خاطرترن به احکام بدهند بخصوص کسانی که مبانی اعتقادی و باورهای قلبی آن‌ها به حدی نیست که صرفاً بخاطر امر و نهی خدا و تعبداً احکام را اجرا کنند و در دل خود هیچ تردیدی راه ندهند. این گونه افراد با دانستن علت احکام با رضایت و آرامش خاطر و با آگاهی از منافع و مضاری که پیروی از احکام شرعی برای آن‌ها دارد این احکام را اجرا می کنند و احساس اجبار و تحمیل نمی کنند.

بعضی پارا از این نیز فراتر گذاشته و علاوه بر هدف احکام، اهداف کل شریعت را نیز در توسعه و تزییق احکام موثر دانسته و آن‌ها را «مقاصد شریعت» نامیده اند و مدعیند هر جا احکام، با مذاق و مقاصد شریعت در تقابل قرار گیرد می توان در تفسیر و برداشت

خود از احکام، تجدید نظر کرد و قرائت و تفسیر دیگری را که با هدف و مقصد شریعت همسو و هماهنگ باشد پذیرفت. (الیوبی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۲۵ و عشایری، ۱۳۸۸ش، شماره ۲۲)

۲.۴ پیامدهای افراط در علت یابی احکام

گرچه دانستن علت احکام کمک زیادی به گسترش کمی و کیفی علم فقه می‌کند اما به سبب پیامدهای ناگواری که زیاده روی در علت یابی احکام در پی دارد فقهای شیعه بر خلاف فقهای اهل سنت اقبال زیادی به علت احکام نشان نداده اند و ترجیح داده اند جز با اصول دقیق و شرایطی دشوار از مرز ادله نقلی پا را فراتر نگذارند که در ادامه بحث به بعضی از این پیامدها اشاره می‌کنیم.

۱.۲.۴ باز شدن راه قیاس

کشف علت احکام کاری بسیار دشوار و غلط انداز است و اگر علت حکم در کتاب و سنت به طور صریح بیان نشده باشد حدس زدن آن با عقل و تجربه بشری به آسانی میسر نیست و ممکن است آن چه را ما به عنوان علت حکم حدس می‌زنیم آن چیزی نباشد که خداوند تعالی به سبب آن، چنان حکمی برای آن موضوع صادر کرده باشد.

ائمه شیعه با قاطعیت از قیاس مستنبط العله و حدس و گمان زدن درباره علت احکام نهی کرده و آن را موجب قرار گرفتن دین در تنگنا دانسته اند و حتی در بعضی موارد از پرسش گری در خصوص علت احکام نیز منع کرده اند تا مبدا از این طریق راه قیاس بار شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷ / باب ۶ و اصفهانی، ۱۳۱۴ق، ج ۱ / ص ۶۳۳)

۲.۲.۴ مداخله نا به جا در احکام الهی

بسیاری از اوصاف و شرایط وجود دارد که به نحوی در تکوین و تکون حکم شرعی دخیلند اما نه آنچنان که مانند علت حکم، علت تامه بوجود آمدن حکمی برای موضوعی باشند و نمی‌توان بانبودن آن‌ها حکمی از احکام شرعی را منتفی دانست این گونه اوصاف «حکمت احکام» می‌نامند.

حکمت در لغت به معنی آگاهی و دانائی و داشتن است (فیروز آبادی، بی‌تا، ص ۹۰۹، ماده حکم) و در اصطلاح، حکمت احکام، دلایل و فوایدی است که باعث تشریح احکام توسط خداوند متعال گردیده است (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۶۹۶) تفاوت «حکمت حکم» با

«علت حکم» که به آن «مناط» و «ملاک» نیز گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶ش، ص ۸۴ و ۸۶) این است که حکم هر موضوع با علت آن وابستگی تام دارد و با بودن علت، حکم نیز وجود خواهد داشت و با نبود آن، حکم نیز وجود نخواهد داشت و لذا می‌توان با آگاهی از علت حکم، حکم را توسیع و تضییق کرد و در هر جا علت از بین رفت حکم را نیز لغو کرد و هر جای دیگر غیر از موضوع حکم، آن علت وجود داشت همان حکم را برای آن صادر کرد اما در مورد حکمت، مسئله چنین نیست و حکم به وجود یا عدم حکمت بستگی ندارد و ممکن است در جایی که حکمت وجود ندارد نیز حکم موجود باشد (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹۶، ابو زهره، ۱۳۷۷ق، ص ۳۲۳، مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۱۷) در اصطلاح فقها گاهی این دو اصطلاح به جای همدیگر به کار می‌روند و منشأ اشتباهات و اختلاف نظرهایی می‌شود (برای نمونه بین فخارطوسی، ۱۳۸۵، ج ۲ / ص ۱۶۲) تشخیص این که چه چیزی علت است و چه چیزی حکمت نیز کار آسانی نیست و لذا در تحلیل های فقهی در تشخیص مصادیق علت و حکمت اختلاف نظرهای جدی مطرح می‌شود که در استنباط احکام تأثیرگذار است (برای نمونه بین مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۱ / ص ۳۸ و نیز بین، مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱ / ص ۶۶ و زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲ / ص ۶۷۵ و ج ۳ / ص ۸۷۸، سعیدی، بی‌تا، ج ۴۷ / ص ۱۶۲ و سبحانی، بی‌تا، ج ۴۸ / ص ۹۶ و فخار طوسی، ۱۳۸۵ش، ج ۲ / ص ۸۷ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۲ / ص ۴۱۵ و ۴۱۶) و شایسته است که تحقیق های مفصلی در روش های تشخیص علت از حکمت صورت پذیرد همچنان که بعضی از بزرگان به این مسئله توجه کرده و مطالب دقیقی را بیان کرده اند (ر.ک الموسوی العریفی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴۴ به بعد و نیز الموسوی الخوئی، ۱۳۶۲ش، ج ۱ / ص ۴۱۸-۴۹۹ و همدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۳ و نیز ر.ک. الشهید الثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶ / ص ۳۰۹) برای بررسی فرق و تعریف دقیق آن دور.ک. ابوزهره، ۱۳۷۷ق، ص ۳۲۳ و مازندرانی، ۱۴۱۹، ص ۳۸، سبحانی عزیز، ۱۴۱۹، ص ۲۰۴، الموسوی الخوئی، ۱۳۶۲ش، ج ۱ / ص ۴۹۸ و همدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۳)

اگر در بها دادن به علت احکام و فواید آن جانب افراط در پیش گرفته شود این گونه اوصاف با علت حکم اشتباه می‌شوند و توسیع و تضییع نا به جا در احکام الهی صورت می‌گیرد و موجب نوعی تحریف شریعت و دخالت در احکام الهی و افزودن شاخ و برگ های غیر مجاز بر آن ها می‌گردد و این چیزی است که هیچ فقیهی آن را نمی‌پذیرد و خلاف فلسفه وجودی علم فقه است و همین آفت بود که فقه اهل سنت را دچار بحران

کرد و به حصر حق اجتهاد در ۴ فرد و نهایتاً به انسداد اجتهاد و تعطیل آن انجامید. (الاشقر بی‌تا، ۸۱)

به عنوان مثال، «اختلاط میاه» حکمت حکم و جوبِ عِدَّة است ولی علت نیست زیرا اگر علت بود، برای زن مُطَلَّقه در صورت عقیم بودن یا در صورتی که به شکل دیگری از باردار نبودن اطمینان حاصل شود نگه داشتن عده واجب نبود اما در ادله شرعیه چنین چیزی بیان نشده و حتی زن عقیم و زنی که مطمئن است باردار نیست هم باید عده نگه دارد (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۴۲ و موحدی لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۴۲ و صدر، ۱۴۱۳، ج ۶/ص ۱۵۹-۱۶۱) و چون عدم حکم به عدم این ویژگی وابسته نیست علت به حساب نمی‌آید و حکمت است همین حکمت در خصوص حرمت تعداد ازواج نیز بیان شده است (صدر، ۱۴۱۳ق، ج ۶/ص ۱۵۹-۱۶۱). و لذا زنی که عقیم است نمی‌تواند دو یا چند شوهر داشته باشد و یا زنی که می‌تواند از طریق علمی مشخص کند که جنین او متعلق به کدام شوهر است نیز نمی‌تواند چند شوهر داشته باشد ولی اگر اختلاط میاه علت امکان استنباط چنین احکامی وجود داشت.

همچنین، در خصوص آن که مدیریت خانواده باید به دست مرد باشد (سوره نساء، آیه ۳۴ و قانون مدنی ایران ماده ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۷) گفته شده است که وجوب نفقه زن بر مرد، حکمت و جوب تبعیت زن از مرد است (یزدی، ۱۳۷۴ش، ج ۴/ص ۳۴۸ و ۳۲۴ سیفی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۲ و حسینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶/ص ۲۷۵). نه علت آن زیر در مواردی که مرد نفقه نمی‌دهد یا زن نفقه مرد را می‌دهد نیز حکم تبعیت به قوت خود باقی است. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲/ص ۳۰۶ و مشکینی، بی‌تا، ص ۵۳۸).

در متون دینی مانند قرآن و حدیث، موارد زیادی به عنوان علت احکام بیان شده است اما در اکثر این موارد فقهاء آن‌ها را به عنوان حکمت حکم و به معنای لغوی علت، تفسیر کرده‌اند و علت بودن آن‌ها به معنی اصطلاحی را مورد تردیدی قرار داده‌اند در خصوص بررسی علل احکام شرعی تحقیقات بسیار کمی صورت گرفته و بلکه بعضی از در روایات توصیه شده است که به دنبال علل احکام نباشید چون راه را برای قیاس باز می‌کند. (اصفهانی، ۱۳۱۴ق، ج ۱/ص ۶۳۳ به نقل از امام صادق) با این همه، آثاری وجود دارد که قابل توجه هستند مثلاً (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق، علل الشرایع و شبلی مصطفی، تعلیل الاحکام و ابن حزم اندلسی، الاحکام فی اصول الاحکام و ریسونی،

۱۳۷۶ش، ص ۴۲۳، مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۸۵ به بعد. و ابن عاشور، ۱۴۳۶ق و نیز استاد علال الفاسی و مصطفی شلبی و البوطی و دکتور حسین حامد حسان و غیر آن‌ها.)
تشخیص و استنباط علت احکام با همه ضرورتی که دارد اما کاری بسیار دشوار است و می‌تواند لغزشگاه بزرگی برای فقیه باشد و موارد فراوانی وجود دارد که حکمت حکم با علت حکم اشتباه می‌شود و علت‌هایی که علت نیستند علت تصور می‌شوند اما با این وجود، آگاهی فقیه از حکمت حکم باعث می‌شود فقیه هدف حکم را بداند و با آگاهی از هدف و روح حکم، در نحوه اجرای آن و هدایت جامعه به سمت اجرای آن مسیر روشن و آشکاری به روی او گشوده شود و از انحراف در نحوه اجرای آن پیش‌گیری شود و میزان اثر بخشی و سرعت رسیدن به هدف حکم را نیز از این طریق ارزیابی کند.

مکلفین غیر فقیه نیز با دانستن حکمت حکم با اطمینان و آرامش بیش‌تری به احکام عمل می‌کنند و می‌دانند که علاوه بر اطاعت امر الهی با اجرای این احکام به چه منافع و مصالحی دست یافته و از چه مضار و مفسداتی در امان می‌مانند و اعمال آن‌ها از حالت ظاهر و صوری و صرفاً تبعیدی خارج می‌شود و می‌توانند با نگرش به فلسفه و حکمت عمل، علاوه بر انجام صوری و ظاهری عمل در جهت تحقق بخشیدن حکمت و فلسفه حکم در وجود خود و جامعه نیز تلاش کنند و از عبادت سطحی و عوامانه فراتر روند.
به عنوان مثال، حکمت نماز، دور شدن از فحشاء منکر است (سوره عنکبوت، ۴۵) و نیز ر.ک ملکی تبریزی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۷۵). گرچه به دلیل حکمت بودن این مطلب نمی‌توان گفت که در صورت دور نشدن نمازگزار از فحشاء و منکر، نماز او باطل است اما می‌توان گفت، آگاهی نمازگزار از این حکمت به او این امکان را می‌دهد که میزان اثر بخشی نماز در وجود خودش را ارزیابی کند و در صورتی که نماز در او اثر گذار نبود و از منکرات دور نکرد. در عمق بخشی و ارتقای کیفیت نماز کوشش کند.

گفته می‌شود بررسی فلسفه و حکمت احکام از وظایف علم فقه نیست زیرا در علم فقه، هدف، کشف احکام است و در این علم و مرزها و خط قرمزهای عملی و احکام و وظایف بشر تعیین می‌شود و کیفیت بخشی به انجام وظایف و رسیدن به هدف احکام از موضوعات و مباحث علم اخلاق است (جمعی از پژوهشگران ۱۴۲۶ق، ج ۱/ ص ۳۱۶ و نیز ر.ک شریفی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸) و به همین دلیل است که علم اخلاق مکمل علم فقه دانسته شده و گفته شده است؛ علم فقه بدون اخلاق به مقصد خود نمی‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۳۶) اما ضرورت مطالعه راهبردی و هدایت علم فقه به سمت اهداف و

روح شریعت، پیوند دو علم فقه و اخلاق را ایجاب می‌کند و گسترش موضوع علم فقه به بررسی اهداف و علت‌ها و فلسفه احکام را می‌طلبد.

۵. راهبرد ۲: شناسایی روش‌های اجرا و نظارت بر آن‌ها

مقصود از روش احکام، روش اجرای احکام است. مثلاً «بریدن دست سارق واجب است» یک حکم شرعی است حال برای اجرای این حکم، روش‌های مختلفی می‌توان در پیش گرفت تا اولاً ثابت شود دزد چه کسی بوده و مقدار مال سرقت شده چقدر بوده و کیفیت بریدن باید چگونه باشد با شمشیر یا با دستگاه‌های جدید جراحی، بدون بیهوشی یا با بیهوشی و سولاتی دیگر از این دست که پاسخ آن‌ها همگی در حیطه روش شناسی حکم می‌گنجد.

اگر تعریف رایج علم فقه را که علم به احکام شرعی فرعی است (السیوری ۱۳۶۱ش، ص ۵۰ و نیز حسن بن زین الدین، ۱۴۱۸ ق، ص ۷۱-۷۲) بپذیریم ممکن است بررسی روش‌های اجرای احکام در حوزه علم فقه نگنجد اما اگر علم فقه را به معنای اعم آن، که شناخت دین و اهداف آن را نیز شامل می‌شود (قمی عباس، ۱۳۵۹ ق، ج ۲/ص ۳۸۱ و القنوجی، ۱۹۷۸م، ج ۲/ص ۴۰۰ و ۱۳۳) در نظر بگیریم، از شناخت و بررسی روش‌ها بی‌نیاز نخواهیم بود.

آگاهی از روش‌های اجرای احکام نه تنها در چگونگی اجرای احکام موثر است بلکه بدون آگاهی از آن، اجرای حکم میسر نیست و روش اجرا، آن‌چنان با حکم آمیخته است که علاوه بر اجرا و عدم اجرای آن چگونگی نتیجه و تأثیر آن نیز دایره مدار روش‌های اجراست.

به عنوان مثال در یک حکم قضایی، صدور حکم وقتی میسر و نتیجه بخش و مثمرتر خواهد بود که جرم به روش صحیحی کشف و اثبات شده باشد و اگر جرم اثبات نشده یا به روش غلطی چون اقرار مکره یا اقرار غیر بالغ به اثبات رسیده شده باشد، قاضی هرچند عالم و عادل باشد نمی‌تواند قضاوت صحیحی داشته و حکم صائبی را صادر کند.

بر همین اساس است که فقها در بسیاری از ابواب فقهی به ناچار در حوزه روش‌ها هم گام زده‌اند و با این که مطلب مورد بحثشان فقهی نبوده و ربطی به احکام فقهی به معنای اخص آن نداشته است اما به تفصیل از آن سخن گفته‌اند که از آن موارد روش‌های قبله‌یابی (حلی، محقق، ۱۴۰۳ق، ج ۱/ص ۶۶ و شهید ثانی، بی‌تا، ج ۱/ص ۵۰۴-۵۱۶) و روش‌های

دو راهبرد اساسی در ارتقای کارآمدی متون و منابع فقهی ... (عبدالحسین رضایی راد) ۲۶۳

محاسبه ارث (شهید ثانی، بی تا، ج ۸/ص ۲۵۱ به بعد) و چگونگی گرفتن منخرج مشترک در فروض (شهید ثانی، بی تا، ج ۸/ص ۲۲۵ - ۲۳۵) روش های تعیین ختای مشکل (شهید ثانی، بی تا، ج ۸/ص ۱۹۱) و شیوه های اثبات جرم (حلی محقق ۱۴۰۳ق، ج ۴/ص ۸۲ به بعد) را می توان نام برد.

بی شک روش های قبله یابی و چگونگی محاسبه ارث و امثال آن ها از مصادیق احکام شرعی و فرعی نیستند که تعریف رایج فقه آن ها را شامل شود بلکه از جمله روش ها هستند و دخالت فقها در این گونه امور بخاطر ارتباط اجتناب ناپذیری بود است که میان فهم و اجرای حکم با روش های آن احساس کرده اند.

بعضی از علماء، مهارت ها و علوم متعددی را در اجرای امر به معروف و نهی از منکر شرط می دانند (رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴/ص ۳۸ - ۴۰) و می کوشند تا علم را به جای آن که شرط و وجوب امر به معروف باشد شرط واجب بنامند (مطهری، ۱۳۶۶ش، ج ۱/ص ۱۹۲ - ۲۰۱) تا از این طریق همه مکلفین موظف به فراگیری این علوم و مهارت ها باشند، این امر، گواهی بر این مطب است که آگاهی از احکام شرعی و ادله تفصیلی آن ها بدون آگاهی از روش ها، نتیجه ای در بر ندارد و نه تنها فقیه بلکه هر فرد مکلف نیز به آن ها نیازمند است.

۶. ملاک ارزشیابی روش ها

یکی از نکات مهمی که قبل از ورود فقها به مبحث روش ها لازم به بررسی است ملاک ارزشیابی روش ها است زیرا تا ملاک های ارزشیابی مشخص نباشد صحت و سقم آن هم قابل تشخیص نیست و زمانی خواننده می تواند با مؤلف هم عقیده و هم صدا گردد که ملاک های او را در نقد و تحلیل پذیرفته باشد.

ملاک هایی که مؤلف در این اثر برای یک روش موفق در نظر می گیرد به شرح زیر است:

۱.۶ موافقت با موازین شرعی و ادله فقهی

یک مکلف، همچنان که اعمال خود را بر اساس موازین شرعی تنظیم می کند، شیوه های اجرایی خود در عمل به احکام را هم باید با شرع و موازین شرعی هماهنگ سازد و اگر اصل عمل موافق شرع بود اما شیوه های عمل به آن با شرع مخالف بود نمی توان گفت که

تکلیف انجام شده است و نه تنها تکلیف انجام نشده است بلکه به دلیل تضاد روش‌ها با موازین شرعی عملی خلاف شرع و خلاف تکلیف از او سر زده است.

به عنوان مثال، همچنان که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد اگر یک قاضی، مجرم را به مجازات شرعی برساند اما اثبات جرم با شیوه‌ای صورت گرفته باشد که مورد تأیید شرع مقدس نیست مثلاً از طریق اقرار مکره یا اقرار غیر بالغ جرم او را به اثبات رسانده باشد. نمی‌توان گفت که این قاضی به صرف اجرای مجازات شرعی، تکلیف خود را به درستی انجام داده است بلکه چه بسا فرد، مجرم نبوده و او را به جای مجرم اشتباه گرفته یا جرم او چیز دیگری بوده است و مجازات دیگری را به او تحمیل کرده است و لذا نه تنها به تکلیف عمل نکرده بلکه خلاف شرع و ظلم آشکار از او سر زده است.

همین مسئله در تمامی احکام شرعی به خصوص در احکامی که جنبه سیاسی و اجتماعی دارند از جمله امر به معروف نیز صادق است و اگر امر به معروف به شیوه‌ای نادرست اجرا شود نه تنها تکلیف را ساقط نمی‌کند بلکه احتمال وقوع در خلاف شرع را نیز مطرح می‌سازد و لذا روش‌شناسی بخشی از مراحل شناخت وظیفه و تشخیص حکم است و در هر مرحله‌ای که احساس شود شیوه‌ای از شیوه‌های اجرایی با موازین شرعی نمی‌سازد باید آن عمل متوقف گردیده و شیوه‌ای دیگر اتخاذ گردد.

۲.۶ امکان پذیر بودن

یکی دیگر از ملاک‌های تشخیص درستی روش‌ها، میسر بودن و نداشتن مشقت است زیرا بر اساس اصول مسلم و قواعد اثبات شده شرعی، هر عمل و تکلیفی که ممتنع یا فوق طاقیت مکلف باشد ساقط و بلکه انجام آن خلاف شرع و خلاف تکلیف است (قرآن کریم سوره حج آیه ۷۸، مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱/ص ۱۶۰-۲۰۶، ص ۲۹-۱۵۱. و نیز محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۴ و فاضل تونی، ۱۴۱۵، ص ۸۸) و این مطلب به روشنی قابل تسری به روش‌های اجرای احکام نیز هست زیرا روش‌های اجرای احکام نیز اگر ممتنع یا مشقت آور باشند ساقط و بلکه خلاف شرع خواهند بود و همچنان که تکلیف مشقت آور تکلیف نیست روش مشقت آور هم مورد تأیید شرع نیست و نمی‌توان گفت چون اصل تکلیف، حرجی و مشقت آور نیست آن را با هر روشی می‌توان و باید به اجرا در آورد.

به عنوان مثال اگر اصل یک حکومت، شرعی و مطابق موازین بود اما شیوه اجرا به گونه‌ای بود که مستلزم تحمیل عسر و حرج طولانی بر امت اسلامی بود و برای ادامه آن می

بایست قرن های متمادی امت اسلامی در فقر و تنگدستی به سر برد و شاهد نابودی تدریجی تمام منابع طبیعی و انسانی خود باشد می توان ادعا کرد که این حکومت حرجی است و همچون نماز و روزه حرجی فاقد مشروعیت و اسلامیت است.

نمونه‌ای دیگر از اهمیت شناخت روش‌ها این که امام خمینی با وجود آن که قبل از انقلاب در کتاب تحریر الوسیله خود با ذکر احادیثی کثرت موالید و افزایش جمعیت را مورد تاکید و تشویق قرار داده (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲/ص ۲۳۷) و آن را سنت پیامبر می‌نامند اما پس از انقلاب به دلیل آن که کثرت موالید می‌تواند موجب گسترش فقر و ذلت مسلمین باشد ترک آن را مجاز و کنترل موالید را به عنوان شیوه‌ای نوین برای اجرای احکام می‌پسندند (امام خمینی، ۱۳۶۹ش، ج ۴/ص ۳۹) و مقام معظم رهبری در چند سال پس از آن به دلیل این که کاهش جمعیت را برای آینده کشور مصلحت ندانستند حکم حکومتی امام را نقض و فرزند آوری و افزایش جمعیت را به عنوان بخشی از سیاست و حکومت خود اعلام کردند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری)

۳.۶ سازگاری با اهداف دین

در فقه شیعه، به خلاف فقه اهل سنت (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱/ص ۲۷۴ به بعد)، قیاسات ظنی و استحسانات و مصالح مرسله، چندان مورد قبول قرار نگرفته اند (میرزای قمی، ۱۳۵۹، ج ۲/ص ۸۱) و اجازه داده نشده است که با فلسفه بافی های ذهنی و سلیقه ای، دایره احکام به طرز بی رویه ای توسیع و تضییق یابند اما با این همه در مواردی که هدف و غرض شارع کاملاً واضح و روشن است و از مصادیق قیاس جلی به حساب می آید، چنین قیاسات و استحساناتی صورت گرفته است و بر همین اساس هرگاه حکمی از احکام، به نتایجی بیانجامد که با اهداف قطعی و اثبات شده دین و شریعت در تضاد باشد، یک فقیه شیعی هم نمی تواند بی تفاوت بماند.

مسئله اشتراط وجوب امر به معروف به عدم مفسده (ر.ک. نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱/ص ۳۷۱ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۱/ص ۶۶۵) نمونه ای از این استحسانات مقبوله است و گواهی است بر آن که فقهای عظام هدف امر به معروف را دفع فساد می دانند و لذا اگر امر به معروف خود باعث رواج فساد و تباهی باشد نمی تواند قابل قبول باشد.

اگر مشرب فقهی شیعه این سخن را برنتابد و این ملاک را نوعی استحسان عقلی و قیاس ظنی بداند می‌توانیم این مطلب را از طریق دلیل مسلم عقلی به اثبات برسانیم و بگوئیم حکمی که برخلاف هدف شارع باشد، به دلیل قاعده عقلی «امتناع نقض غرض» باطل و غیر قابل قبول است و محال است که شارع مقدس که خود اعقل عقلا و احکم حکما است به آن راضی باشد.

به عنوان مثال، اگر امر به معروف، که بر اساس روایات برای ایجاد امنیت (حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۱/ص ۴۰۳ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰/ص ۷۹) و انسجام جامعه (ر.ک. محمودی، ۱۳۷۷، ج ۳/ص ۲۴۵-۲۴۷ و حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۱/ص ۴۰۳ و رشید رضا، ۱۴۱۲، ج ۴/ص ۲۱ و ۳۷) و ازاله منکرات (شیخ مفید، ۱۴۰۱، ج ۱/ص ۸۰۹) و دفع فتنه (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰/ص ۷۹) و اجرای دین (ر.ک. ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۲۳۷) مقرر گردیده است، به روشی اجرا شود که خود موجب سلب امنیت و آشفتگی جامعه و رواج منکرات و برانگیختن فتنه باشد، مشروع نیست و باید تعطیل شود تا شیوه‌های اجرایی صحیح آن آشکار گردد و اگر امر به معروف، خود، متوجه این اشتباه نباشد بر دیگران واجب است که او را از این امر به معروف نهی کنند. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱/ص ۴۶۷).

۷. مشکلات ورود فقها به حوزه روش‌ها

گریز ناپذیر بودن علم به روش‌ها برای اجرای حکم و تأثیری که عدم آن می‌تواند در تعطیلی، انحراف، یا مهجوریت احکام شرعی از جمله امر به معروف داشته باشد سخنی درست است اما مهم این است که بدانیم چه دلیلی فقها را از ورود به حوزه روش‌ها در برخی از مباحث فقهی باز داشته یا موجب غفلت آنان از آن گردیده است؟ یکی از علت‌هایی که ممکن است موجب این امر گردیده باشد این است که نگرش بسیاری از فقها به این گونه احکام شرعی و تبدلی نبوده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱/ص ۳۵۸، طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷، شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲/ص ۱۱۸ و شهید ثانی، بی‌تا، ج ۲/ص ۲۲۴، نجفی کاشف الغطاء، بی‌تا)، ص ۴۱۹، الانصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۸ و امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱/ص ۲۰۴) و به همین سبب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را در آثار فقهی در شمار عبادات بمعنی الاعم که در شیوه و روش غیر توقیفیند آورده اند لذا از آنان بیان احکام شرعی در زمینه روش اجرا و ورود به مباحث تفصیلی در این ارتباط را

نمی‌توان انتظار داشت بلکه بسیاری از آن بزرگان و جوب امر به معروف منهی از منکر را عقلی دانسته و احادیث و آیات این باب را ارشاد و برای ارجاع به یک اصل عقلی و مسلم به حساب آورده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۵ش، ۲۳۶-۲۳۷؛ علامه حلی، ۱۳۷۴ش، ج ۴/ص ۴۷۱؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ج ۲/ص ۴۰۹) و طبعاً در امور ارشادی، ضوابط و قوانین توفیقی نیست و نیازی نیست که به طور دقیق از جانب شرع معین گردد و در کتب فقهی مورد بحث قرار گیرد و وظیفه عقل و عرف است که به تناسب مقتضیات زمانی و مکانی به ارائه طریق بپردازند.

علت دیگری که ممکن است باعث عدم دخالت فقها در روش‌ها باشد مسئله گستردگی فقه و امکان ناپذیر بودن آگاهی از روش‌ها برای یک فقیه است و این مسئله‌ای است که عقل بشر نیز بر آن صحنه می‌گذارد که صرف ارتباط و وابستگی بعضی از علوم با علم فقه نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای متوقف ساختن فقه و فقاهت بر کسب آگاهی از آن علوم باشد و اگر چنین باشد پس از چند صباحی فقاهت به چیزی محال تبدیل خواهد شد و دروازه علم دین بر روی همگان بسته خواهد گردید. بنابراین بهتر است احکام شرعی و ضوابط کلی آن‌ها توسط فقها بیان شود ولی تعیین روش‌ها، با اتکاء بر ضوابط شرعی، ضمن نظارت و مشاوره با فقها در علوم دیگر مورد بررسی قرار گیرد و فقها با متخصصان علوم دیگر در ارتباط باشند و از نتایج تحقیقات خود همدیگر را مطلع سازند و بهتر از این، آن که گرایش نوینی از علم فقه به نام «فقه کاربردی» تأسیس شود که در آن فقه را با دید کاربردی و برای بررسی چگونگی اجرای احکام مورد مطالعه قرار دهند و این گونه مباحث، در آن جا مورد دقت قرار گیرد تا از این رهگذر ذهن فقهای فقه مصطلح موجود، از بررسی مباحث اجرایی فراغت یافته و به بررسی عمیق ادله تفصیلی احکام اختصاص یابد و به جای آن فقهای فقه کاربری با فراغت از ادله تفصیلی در شیوه‌های اجرای احکام و کشف مصادیق به تحقیق بپردازند.

۸. اجرای احکام توسط متخصصین و کارشناسان

ممکن است در نقد سخنان مولف گفته شود که ادله ارائه شده لزوم تصدی مستقیم اجرای احکام توسط فقها را ثابت نمی‌کند و برای رسیدن به اهداف احکام ارائه روش و راهکار توسط فقها کافی است و این امکان وجود دارد که با تکیه بر راهکارها و روش‌هایی که فقها ارائه می‌کنند متخصصین و کارشناسان هر بخشی از بخش‌های جامعه احکام را به اجرا

درآوردند و در پاسخ این امر باید گفت که گرچه این مطلب بعید به نظر نمی‌رسد اما این مجریان باید اطلاعات کافی را از اهداف و ادله احکام داشته باشند تا در مرحله اجرا بتوانند انحراف یا عدم انحراف احکام از اهداف آن‌ها را تشخیص دهند زیرا در غیر این صورت با برداشت و تلقی نادرست خود احکام را در مسیری خواهند انداخت که با هدف و ادله‌ی احکام در تضاد است حتی در صورت پذیرش این انتقاد نمی‌توان از ضرورت دخالت فقیه به عنوان ناظر بر اجرای احکام چشم‌پوشی کرد و فقیه اگر خود مجری احکام نباشد لااقل ناظر بر اجرای احکام باشد و نظریه ولایت فقیه نیز بر این مبنا استوار شده است. به نظر می‌رسد همچنان که بعضی از صاحب نظران گفته‌اند فقیه اگر تنها گزینه برای نظارت بر اجرای احکام نباشد، بهترین گزینه است (متظری، ۱۳۰۱، ج ۱/ص ۲۷۶) اما به شرط آن که فقیه با پذیرش توسعه‌ای در موضوع علم فقه به شیوه‌های اجرای احکام و میزان اثربخشی آن‌ها نیز ورود کند و شاخه‌ای از فقه که پیشنهاد شد (فقه کاربردی) تاسیس شود و متخصصین فقه کاربردی، ناظر بر اجرای احکام باشند.

۹. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق این نتیجه به دست می‌آید که اکتفاء به بیان و بررسی ادله احکام همچنان که در متون و منابع فقه مصطلح امروزی مطرح است نمی‌تواند در رسیدن جامعه به هدف احکام کافی و موثر باشد و به منظور کشف قابلیت اجرایی احکام موجود و شناسایی موانع اجرا و راهکارهای رفع آن‌ها و شناسایی و طراحی روش‌های درست اجرا و نظارت بر آن‌ها و پیشگیری از انحراف احکام در مرحله عمل و به دست آمدن نتایج معکوس، شایسته است مطالعه راهبردی این علم نیز توجه جدی فقهای معظم قرار گیرد.

یکی از راهبردها در مطالعه راهبردی فقه توجه به هدف احکام و تلاش در جهت شناسایی علت و حکمت احکام است تا از این رهگذر بتوان از انحراف عملی جلوگیری و اجرای احکام را در مسیر هدف شارع هدایت کرد.

دومین راهبرد در مطالعه راهبردی منابع فقهی توجه به روش‌های درست اجرای احکام و استفاده از تجربیات تاریخی و نظریات کارشناسان مرتبط و نظارت فقیهانه بر اجرای احکام است زیرا بسیاری از انحرافات و افراطی‌گری‌های جوامع دینی نه از خود احکام بلکه از روش‌های نادرست اجرای آن‌ها نشأت گرفته است. براین اساس باید فقهای معظم

دو راهبرد اساسی در ارتقای کارآمدی متون و منابع فقهی ... (عبدالحسین رضایی راد) ۲۶۹

با معیارهایی چون «امکان پذیر بودن» و «تطابق روش با هدف» و مانند آن ها روش های اجرایی احکام شرعی را ارزیابی و بر آن ها نظارت کنند.

کتابنامه

- الاشقر، عمر سلیمان، (بی تا)، *تاریخ الفقه الاسلامی*، کویت: دار النفائس للنشر و التوزیع.
- ابن عاشور، شیخ محمدالظاهر (۱۴۳۶)، *مقاصد الشریعه الاسلامیه*، قاهره، مصر: دارالسلام.
- ابو زهره، محمد، (۱۳۷۷) *اصول الفقه الاسلامی*، قاهره، مصر: دارالفکر العربی.
- اصفهان، محمدتقی (مجلسی اول) (۱۳۱۴)، *لوامع صاحبقرانی* (معروف به شرح فقیه)، ج ۱، قم، ایران: مؤسسه اسماعیلیان.
- الانصاری، الذرفولی، مرتضی، محمد بن محمد امین، (۱۳۷۶)، *فرائد الاصول*، محشی به حاشیه رحمت الله، ج ۱۱، ۲، قم، ایران: کتابفروشی مصطفوی.
- _____ (۱۴۱۵)، *کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات*، الطبعة الحدیثه کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، مصحح: گروه پژوهش در کنگره این کتاب به اسم تراث الشیخ الاعظم ۱۴ منتشر شده است، ج ۳ و ۶، قم، ایران
- انصاری، محمد علی، (معاصر) (۱۴۱۵)، *الموسوعه الفقهیه المیسره*، الطبعة الاولى، قم، ایران، مجمع الفکر الاسلامی.
- الیوبی، محمد سعد بن احمد بن مسعود الیوبی، (۱۴۱۸)، *مقاصد الشریعه الاسلامیه و علاقتها بالادله الشرعیه*، ریاض دارالهجره للنشر و التوزیع.
- جعفری لنگرودی، محمد (معاصر)، (۱۳۴۶)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات ابن سینا.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۰)، *رسائل فقهیه*، مؤسسه علامه جعفری، تهران، ایران: انتشارات تهذیب.
- جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۶)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت زیر نظر شاهرودی*، محمد (معاصر)، ج ۱، قم، ایران: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- حائری، سید محمد مجاهد طباطبائی، (بی تا)، *کتاب المناهل*، قم: مؤسسه آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، *هدایه الامه الی احکام الائم*، مصحح، بخش حدیث در جامعه پژوهش های اسلامی، ج ۸، مشهد، ایران: مجمع البحوث الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۲، ۲۷، ۱۱، قم، ایران: مؤسسه آل البيت.
- _____ (۱۴۱۷)، *رساله فی الغناء*، مصحح: محسن صادقی، ج ۱، چاپ اول، قم، ایران: نشر مرصاد
- الحرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن حسین بن شعبه، (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل رسول*، مصحح، علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

۲۷۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۹۹

حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۲۹ق)، *منهاج الفقاهه*، ج ۶، قم، ایران: ناشر، انوار الهدی.
حسینی نجومی، مرتضی (معاصر)، (۱۳۷۲)، *الغنا*، قم: کنگره جهانی شیخ انصاری.
حسینیان، روح الله (معاصر)، (۱۳۷۴)، *الغنا و موسیقی در فقه اسلامی*، تهران، ایران: انتشارات سروش.
حکیم، محمد تقی (معاصر) (۱۴۱۸)، *الاصول العامه للفقهاء المقارن، مصحح حکیمی*، محمدرضا، قم: المجمع
العالمی لاهل البيت

حلی، علامه، حسن بن یوسف، (۱۳۷۴ش)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم
حلی محقق، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلی (۱۴۰۳ق)، *شرائع الاسلام فی -
مسائل الحلال و الحرام*، ج ۴، ۱، بیروت، لبنان: دارالاضواء.

_____ (۱۴۰۳)، *معارج الاصول*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت.

خندان، علی اصغر (معاصر)، (۱۳۹۴)، *خوارج و داعش، بررسی تطبیقی بر مبنای اندیشه‌های استاد
مطهری*، تهران، ایران: بنیاد علمی فرهنگی شهید مطهری.

رشید رضا، محمد، (۱۴۱۲)، *تفسیر المنار*، ج ۴، قم، ایران: مؤسسه دارالکتاب.

رضایی راد، عبدالحسین (معاصر)، (۱۳۹۲)، *در سنامه‌ی قواعد فقه مدنی*، تهران، ایران: انتشارات امیرکبیر.

_____، (۱۳۸۵) «گستره‌ی کارآمدی قاعده لاضرر»، *مجله حقوق اسلامی*، شماره ۳۵

_____، (۱۳۸۸)، *امر به معروف در ترازوی تاریخ*، قم، ایران: انتشارات بوستان کتاب.

_____ (۱۳۹۸ش)، *مبانی علم فقه*، تهران، انتشارات مجد

الروحانی الحسینی، سید صادق، (۱۴۱۸ق)، *فقه الصادق*، قم، دارالکتاب، مدرسه امام صادق علیه السلام،
الروحانی القمی، سید محمد، (۱۴۱۸ق)، *منتهی الاصول (القواعد الفقهیه)*، مقرر: سید عبدالصاحب بن
سید محسن طباطبائی، قم، ناشر: چاپخانه امیر.

روحانی، سید محمد حسین، (۱۴۱۴)، *المسائل المستحله*، قم، ایران: مؤسسه دارالکتاب.

ریسونی احمد و اسلامی حسین، (۱۳۷۶)، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، مترجم دفتر تبلیغات حوزه
علمیه قم، قم: ایرانزنجانی (ششیری زنجانی)، موسسی (معاصر)، (۱۴۱۹)، *کتاب النکاح*، چاپ
اول، ج ۲، ۳، قم، ایران: مصحح و ناشر مؤسسه پژوهشی رای پرداز.

زیدان، عبدالکریم (۱۳۹۶)، *المدخل لدراسة الشریعة الاسلامیه*، چاپ پنجم، بغداد: مؤسسه الرساله.

سبحانی تبریزی، جعفر (معاصر)، «متعه حج در کتاب و سنت»، *مجله فقه اهل بیت*، ج ۴، ۴، قم: مؤسسه
دائرة المعارف فقه اسلامی.

سبحانی تبریزی، جعفر (معاصر)، (۱۴۱۹)، *مصادر الفقه الاسلامی و منابعه*، بیروت، لبنان: ناشر، دارالاضواء.

سبزواری محقق محمد باقر بن محمد مؤمن، (۱۴۲۲ق)، *رساله فی تحریم الغناء*، محقق، علی مختاری، قم:

نشر مرصاد، شابک ۹۶۴-۹۰۶۲۷-۴-۲

سبزواری، سید ابوالاعلی، (۱۴۱۳ق)، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، ج ۱۶، قم: مصحح و ناشر:

مؤسسه المنار دفتر حضرت آیه ...

دو راهبرد اساسی در ارتقای کارآمدی متون و منابع فقهی ... (عبدالحسین رضایی راد) ۲۷۱

- سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۸)، علم چیست فلسفه چیست، نشر صراط.
- سعیدی، سید محسن، (بی تا)، مقاله «حیل ربا»، مجله فقه اهل بیت (فارسی)، ج ۴۷، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (معاصر)، (۱۴۲۹)، دلیل تحریر الوسیله، احکام الاسره، تهران، ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- السیوری الحلّی، مقداد بن عبدالله، (۱۳۶۱)، *نضد القواعد الفقئیه علی مذهب الامامیه*، تحقیق: سید عبد اللطیف کوهکمری، قم، ایران: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- شریفی، عنایت الله (معاصر)، مقاله «فقه و اخلاق»، فصلنامه قیاسات، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۱۵ و ۱۶،
- شهید اول (محمد بن مکی عاملی)، (۱۴۱۷) *الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه*، ج ۲، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۰ق) *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*، مصحح محمد تقی مروارید، بیروت: دارالاسلامیه
- شهید ثانی، (زین الدین بن علی عاملی)، (۱۴۱۳)، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، محقق، گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، ج ۶، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- _____ (بی تا)، *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه*، ج ۸، نجف: جامعه النجف الدینیه.
- مفید (شیخ) (النعمان محمد بن محمد) (۱۴۰۱ق)، *المقنعه*، تحقیق: جماعه المدرسین قم، قم، جامعه المدرسین قم
- الصاحب اسماعیل ابن عباد (معاصر)، (۱۴۱۴)، *المحیط فی اللغة*، ج ۹، بیروت: عالم الکتب.
- الصدر، سید محمد باقر (۱۴۱۳)، *ماوراء الفقه*، ج ۶، چاپ اول، بیروت: دارالاضواء.
- _____ (۱۳۹۳)، *تصویری از اقتصاد اسلامی*، مترجم جمال موسوی، تهران، ایران: انتشارات روزبه
- صدوق، محمد بن علی بن با یویه قمی (شیخ صدوق)، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه، مدرسین حوزه علمیه.
- _____ (۱۳۸۶)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۳۶۷)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، ایران: منشورات اشرف الرضی.
- _____ (۱۳۷۶)، *الامالی*، قم، ایران: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، محمد رضا، (۱۳۷۱)، *تنقیح الاصول*، تقریر اباحت آیه الله الشیخ ضیاءالدین العراقی قدس سره، النجف، عراق: المطبعة الحیدریه .
- طباطبائی یزدی، (بی تا)، *العروه الوثقی*، تهران: کتابفروشی اسلامی

۲۷۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۹۹

الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۶۱۴) لامالی، دارالثقافه، محقق، بخش تحقیقات اسلامی، قم: مؤسسه بعثت.

_____، (۱۳۷۵) اقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران: انتشارات کتابخانه جامع، چهل ستون.

العاملی، حسن ابن زین الدین، جمال الدین، العاملی معروف به صاحب معالم (۱۴۱۸ق)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، مصحح: سید منذر حکیم، قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر. عشایری منفرد، محمد، (۱۳۸۸)، «استناد فقهی به مذاق شریعت در بوته نقد»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۲ پاییز

علم الهدی، سید مرتضی (شریف مرتضی)، (۱۳۴۸)، الذریعه الی اصول الشریعه، ج ۲، تحقیق: ابوالقاسم گرگی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد، (۱۴۱۷ق)، المستصفی فی العلم الاصول، بیروت، دارالکتب العلمیه بیروت، المطبعة دارالکتاب العلمیه

فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۸ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

_____، (۱۴۲۵) ثلاث رسائل، ج ۱، قم، ایران: مرکز فقهی ائمه اطهار.

_____، (۱۴۲۸ق)، جامع المسائل، ج ۱، قم: انتشارات امیر قلم.

فخار طوسی، جواد (معاصر)، (۱۳۸۵)، در محضر شیخ انصاری، ج ۲، قم: نشر مرتضی.

فرد. آ. دیوید، مدیریت استراتژیک، (۱۳۹۵)، ترجمه علی رساییان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، قاموس اللغة: بی جا

فیض الاسلام، علی نقی، (۱۳۵۱)، ترجمه و شرح نهج البلاغه امام علی (ع)، قم، ایران

فیض کاشانی، محمد بن محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، ج ۲۴، ۲۰، مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).

القمی عباس (محدث قمی)، (۱۳۵۹ق) سفینه البحار، الشیخ العباس قمی، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد: نشر موسسه الطبع و النشر فی الاستان الرضویه المقدسه.

القنوجی، صدیق بن حسن، (۱۹۷۶)، بجد العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

الکاظمی الخراسانی، محمد علی (۱۴۰۴)، فوائد الاصول، (تقریرات درس میرزا محمد حسین نائینی)، ج ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

گروه واژه‌گزینی، فرهنگ واژه‌های محبوب فرهنگستان، تهران: انتشارات فرهنگستان، گروه زبان و ادب فارسی.

مازندرانی، علی اکبر سیفی، (۱۴۱۹)، دلیل التحریر الوسیله الی ستر و ماستر، تهران: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دو راهبرد اساسی در ارتقای کارآمدی متون و منابع فقهی ... (عبدالحسین رضایی راد) ۲۷۳

- محمود عبدالرحمان (معاصر)، (بی تا)، معجم المصطلحات الالفاظ الفقهیه، ج ۱، بیجا.
- محمودی، محمد باقر، (۱۳۷۷) نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، مصحح، آل طالب، عزیز، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء
- مدرسی طباطبائی، حسین (معاصر)، (۱۳۸۱ش)، مقدمه ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی مشهد
- مشکینی اردبیلی، میرزا علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بیجا.
- مطهری، مرتضی، (بی تا)، ده گفتار، قم: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۶۶)، حماسه حسینی، ج ۱، قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی ناصر (معاصر)، (۱۳۸۰)، کتاب النکاح، سلسله مباحث درس خارج فقه آیه الله مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم، حامدی محمد رضا مکارم مسعود، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی ابن ابیطالب.
- _____، (۱۳۷۰)، القواعد الفقهیه، ج ۱، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- _____، (۱۴۲۷)، دائره المعارف فقه مقارن، محقق جمعی از اساتید و محققان حوزه، قم: انتشارات مدرسه امام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
- ملکی تبریزی، جواد بن شفیع، (۱۳۷۲)، اسرار الصلوه، مترجم رجب زاده رضا، تهران: ناشر: آزادی.
- منتظری، حسینعلی، (م ۱۳۸۸ش) کتاب الزکاه، ج ۱، قم: مرکز الاعلام الاسلامی.
- _____ و صلواتی محمود، (۱۳۸۰)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۸، قم: نشر تفکر.
- _____، (۱۳۰۱)، دراسات فی ولایت الفقیه و فقه دول الاسلامیه، قم: نشر تفکر
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (معاصر)، (۱۴۲۳)، فقه القضاء، قم: بیجا.
- الموسوی الخمینی، روح الله، معروف به امام خمینی، (۱۴۲۲ق)، الاستفتائات، ج ۲، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، (بی تا)، استفتائات جدید، ج ۲، قم: ایران: بیجا
- _____، (۱۳۷۸)، الرسائل العشر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، (۱۴۱۸)، البیع، مقرر خرم آبادی، سید حسن طاهری، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- _____، (بی تا)، تحریر الوسیله، قم: ایران: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم،
- _____، (۱۴۲۳)، ولایت فقیه، مصحح: گروه پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- _____، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، (۱۴۲۴)، توضیح المسائل (محشی)، مصحح: بنی هاشم خمینی، سید محمد حسین، ج ۲، قم: ایران: دفتر انتشارات اسلامی.

- _____ (۱۴۰۴)، زیاده‌الاحکام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۱)، *المکاسب المحرمه*، ج ۱، تهران، ایران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- الموسوی العریفی محیی‌الدین (معاصر)، (۱۴۰۶)، *قواعد الحدیث*، بیروت: دارالاضواء.
- موسوی بجنوردی سید محمد (معاصر)، *بررسی نقش اخلاق در فقه با رویکردی بر نظریات بنیانگذار جمهوری اسلامی در پایگاه کد خبر: ۲۰۸۲۱ / ۹۱/۱/۱۶ Jamam.ir*
- الموسوی، الخوئی، سید ابوالقاسم، (۱۳۶۲)، *اجود التقريرات* (تقریرات درس میرزا محمد حسین نائینی) تهران، ج ۱، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- النجفی کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، (بی‌تا)، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*، الطبعة القديمة، اصفهان، انتشارات مهدوی.
- النجفی، محمد حسن (صاحب الجواهر) (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، مصحح: قوچانی، عباس و آخوندی، علی، ج ۲۲، ب یروت، لبنان: داراحیاء التراث العربی.
- نوری میرزا حسین، (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل*، قم: موسسه آل‌البتیت.
- همدانی آقارضا بن محمد هادی (۱۳۲۲ق)، *مصباح‌الفقیه کتاب الطهاره*، مصحح، محمد باقری، نور علی نوری و سایر همکاران، ج ۲۰، قم: مؤسسه جعفریه لاحیاء التراث و مؤسسه النشر الاسلامی لاحیاء التراث و مؤسسه النشر الاسلامی.
- یزدی محمد (۱۳۷۴)، *فقه القرآن*، ج ۴، قم: موسسه اسماعیلیان.
- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به نشانی khamenei.ir

- DessG.G, Lumpkin G.T. and Eisner A.B. (2008) "Strategic management" M.GrawHill Internation Edition Fourth Edition
- Hans. Ram, "doing thing right and doing the right thing" (. 2002) International journal of project management volume 20 issue 1. Pages 569-574
- http://wikipedia.org/wiki/strategic_studies
- Hunger.d, Wheelen T.L., (2007) "Essentials of Strategic management" 4th Edition Prentice Hall of India private Limited 'New Delhi